

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۲ (بهار و تابستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۲۳ - ۴۵

تکواژهای منفی‌ساز در زبان ترکی آذری

طاہرہ افشار*، مریم عبدی بلوکانی

۱. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده

در تمامی زبان‌ها روشی برای منفی‌کردن بخش‌های مثبت وجود دارد که جزئی جدایی‌ناپذیر از آن زبان‌ها است. زبان ترکی آذری نیز از این قاعده مستثنی نیست. در خصوص در زبان ترکی آذری مطالعاتی انجام شده، ولی بیش‌تر جنبه نحوی مقولۀ منفی‌سازی بررسی شده است و در زمینۀ ساخت‌واژی نیاز به بررسی‌های دقیق‌تری وجود دارد. بنابراین در این مقاله سعی شد مقولۀ منفی‌سازی از نظر ساخت‌واژی بررسی شود. به همین منظور داده‌هایی از شم زبانی نویسنده و سایر گویشوران این زبان و همچنین جملاتی از سه کتاب ترکی کلیات/شعار ترکی شهریار به انضمام حیدریابایه سلام (با مقدمه، تصحیح و تعلیقات حمید محمدزاده، ۱۳۹۲)، «آتالار سوزو» اثر فرهاد صادقی قورولو (۱۳۹۰) که حاوی مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های ترکی آذری است و رمان ترکی «شرق جنگل» اثر لی اصلان اوغلو (۲۰۰۹) جمع‌آوری شدند که حاوی جملات منفی بودند. سپس تکواژهایی که چه به صورت صریح و چه ضمنی معنای منفی را به جمله القا می‌کردند، استخراج و دسته‌بندی شدند. پس از بررسی این داده‌ها مشخص شد، تکواژهای [ma] و [mə] به عنوان نشانه‌های نفی صریح در زبان ترکی وجود دارند، که این تکواژها با توجه به زمان افعال به صورت تکواژهای [m] [may] [məy] [məz] [maz] تغییر شکل می‌دهند. در مقابل نفی صریح، نفی ضمنی قرار دارد که یا با استفاده از افعال نقض، جمله مفهومی منفی پیدا می‌کند و یا حضور برخی از ادات مفهومی منفی به همراه دارد. به علاوه، برخی از تکواژهای نفی نیز از زبان‌های فارسی و عربی وارد این زبان شده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

ادات
تکواژهای منفی‌ساز
زبان ترکی آذری
منفی‌سازی
نفی صریح و ضمنی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۲۲ فروردین‌ماه ۱۴۰۲

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: t85.afshar@yahoo.com

۱. مقدمه

ساخت‌گرایان آمریکایی زبان‌شناسی را نه به عنوان نظریه‌ ماهیت زبان، بلکه به عنوان پیکره‌ای از فرایندهای توصیفی و تحلیلی مورد ملاحظه قرار دادند و مطالعه‌ زبان را در چهار سطح زبان‌شناختی آوایی، صرفی، نحوی و معنایی به طور جداگانه بررسی کردند (کاتامبا^۱ و استانهام^۲، ۱۹۴۷). یکی از این حوزه‌های مطالعاتی حوزه‌ صرف می‌باشد. از جمله مقولاتی که می‌توان در حوزه صرف بررسی کرد، مقوله نفی است که در زبان‌های گوناگون از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. در تمام زبان‌های طبیعی دنیا در برابر مفهیمی مانند وقوع، وجود، هستی، موافقت، تصدیق و درستی مفهیمی چون عدم وقوع، فقدان، نیستی، مخالفت، انکار، نادرستی و مفاهیم منفی دیگری وجود دارند که جزئی از ماهیت آن زبان‌ها محسوب می‌شوند (کملانی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). بسیاری از زبان‌ها دارای نشانگرهای خاصی برای نفی هستند، در برخی زبان‌ها مانند زبان انگلیسی نمی‌توان بیش از یک تکواژ منفی‌ساز در یک جمله به کار برد، برخی از زبان‌ها ممکن است تنها یک تکواژ منفی‌ساز داشته باشند.

زبان ترکی آذری هم که یکی از زبان‌های پرگوشور در کشور و دارای فرایند منفی‌سازی است. در این مقاله سعی بر آن است که نشان داده شود، در زبان ترکی آذری چه تکواژهایی در فرایند منفی‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند و آیا این تکواژها با هم فرق دارند یا خیر. هدف از انجام این تحقیق بررسی تکواژهای منفی‌ساز در زبان ترکی آذری چه تکواژهای صریح منفی‌ساز و چه تکواژهایی که به طور ضمنی در القای مفهوم منفی اثرگذار هستند می‌باشد. در این تحقیق تکواژهای منفی‌ساز از نظر ساختواژی تعیین و دسته‌بندی می‌شوند. به علاوه تکواژهای منفی‌سازی بررسی می‌شوند که از زبان‌های دیگر نیز وارد این زبان شده‌اند. با توجه به این که بیش‌تر تحقیقات موجود از نظر نحوی فرایند منفی‌سازی را مورد بررسی قرار داده‌اند، به نظر می‌رسد انجام چنین تحقیق ضروری می‌نماید. به همین منظور این مقوله از نظر ساختواژی بررسی نشده است. در این نوشتار برای گردآوری داده‌ها، علاوه بر توجه به صحبت کردن گویشوران و شم زبانی نویسنده از جملات سه کتاب ترکی «کلیات اشعار ترکی شهریار به انضمام حیدر بابایه سلام» (با مقدمه، تصحیح و تعلیقات حمید محمدزاده، ۱۳۹۲) و «آتالار سوزو» اثر فرهاد صادقی قورولو (۱۳۹۰) که حاوی مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های ترکی آذری است، همچنین رمان ترکی «شرق جنگل»^۴ اثر لی اصلان اوغلو^۵ (۲۰۰۹) بهره گرفته شد. بدین

^۱ F. Katamba

^۲ J. Stonham

^۳ S. Khemlani

^۴ Yovşanlıq şərqi

^۵ L. Aslanoğlu

صورت که جملاتی که حاوی عناصر منفی بودند را استخراج کرده و نوع عنصر منفی موجود در آن جملات از نظر ساخت‌واژی بررسی می‌شود.

۱-۱. زبان ترکی آذری

قبل از پرداختن به پیشینه مطالعات، شرح مختصری از زبان ترکی آذری ضروری به نظر می‌رسد. زبان ترکی آذری زبان رسمی کشور آذربایجان است و در استان‌های شمال غربی ایران شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، قزوین و همدان به لهجه‌هایی از این زبان صحبت می‌شود. زبان‌ها از نظر رده‌شناسی صرفی^۱ به پنج رده تقسیم می‌شوند: ۱. تحلیلی^۲ ۲. پیوندی^۳ ۳. تصریفی^۴ ۴. چندترکیبی^۵ ۵. الگوی^۶ (کاتامبا و استانهام، ۱۹۴۷). زبان ترکی در رده زبان‌های پیوندی قرار می‌گیرد. این اصطلاح اولین بار توسط ویلهلم فون هومبالت^۷ در سال ۱۸۳۶ مطرح شد. در زبان‌های پیوندی واژه‌ها از به هم پیوستن تکواژها معنا و مفهوم پیدا می‌کنند و این تکواژها با ترتیب خاصی و یک به یک به پایه متصل می‌شوند. هر یک از این تکواژها دارای ستاک و وند و نیز دارای تطابق یک به یک و در هر نمود بدون تغییر باقی می‌مانند و هر یک دارای یک معنا و یک نقش دستوری هستند. از این رو، در مقایسه با زبان‌های تصریفی تشخیص ریشه آسان‌تر است. در این زبان بر اساس اصل توالی پیوندها، تکواژهای اشتقاقی از تکواژهای تصریفی به ریشه نزدیک‌تر هستند (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷). جنسیت دستوری در زبان ترکی وجود ندارد و از نظر ترتیب واژگانی تابع دستور (SOV) است. «زبان‌های ترکی»^۸ هسته‌پایانی^۹ هستند و توصیف‌کننده‌ها در عبارت اسمی، قبل از اسم-های هسته ظاهر می‌شوند. در مقابل، زبان فارسی هسته‌آغازی^{۱۰} است و توصیف‌کننده‌ها اسم‌های هسته را دنبال می‌کنند. زبان آذری هم به ساختارهای هسته‌آغازی و هم به ساختارهای هسته‌پایانی اجازه ظهور می‌دهد (عرفانی^{۱۱}، ۲۰۱۲).

^۱ morphological typology

^۲ analytic

^۳ agglutinative

^۴ inflectional

^۵ polysynthetic

^۶ templatic

^۷ Wilhelm von Humboldt

^۸ در منبع اصلی از اصطلاح Turkic استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد اشاره به مجموعه زبان‌های ترکی شامل شاخه‌های شرقی و غربی باشد.

^۹ head - final

^{۱۰} head - initial

^{۱۱} P. Erfani

زبان ترکی، از نظر تاریخی، متعلق به زبان‌های اورال-آلتائیک است که به مجموعه زبان‌هایی اطلاق می‌گردد که خاستگاه آن‌ها مناطق بین کوه‌های اورال و آلتای واقع در شمال ترکستان^۱ است؛ زبان‌های اورالیک (فنلاندی و مجارستانی) و زبان‌های آلتائیک (ترکی، مغولی، منچو و تونقوز) از این گروه منشعب شده‌اند (هیئت، ۱۳۸۰). شاخهٔ ترکی خود به دو شاخهٔ غربی (آذربایجانی، استانبولی و ترکمنی) و شرقی (قزاقی، قرقیزی، ازبکی، یاقوتی، چاوشی، اویغوری) تقسیم می‌شود (نائبی، ۱۳۸۷). از جمله زبان‌های ترکی کهن، زبان سومری‌ها را می‌توان نام برد که اولین بار در سال ۱۹۳۲ توسط زبان‌شناسی به نام بارنتون^۲ جزو زبان‌های اورال-آلتائیک معرفی شد (نائبی، ۱۳۸۷).

واکه‌ها در زبان ترکی به دو دستهٔ سخت^۳ و نرم^۴ تقسیم می‌شوند که واکه‌های (a, i, o, u) سخت و واکه‌های (e, ə, i, ö, ü) نرم هستند (عیسی‌خانلی^۵ و همکاران، ۱۹۹۷). در این زبان هماهنگی واکه‌ای وجود دارد، به این معنی که تمام واکه‌های یک واژه از نظر سختی و نرمی یا به تعبیر (نائبی، ۱۳۸۷) ثقیل و ظریف بودن به واکه‌های اول بستگی دارند و به همین دلیل تکواژهایی از یک نوع در واژه‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی ظاهر می‌شوند یا به عبارتی دوشکلی یا چندشکلی می‌شوند. براساس نظر عرفانی (۲۰۱۲) تعداد حروف الفبای زبان ترکی آذری شامل ۳۳ حرف است که با اندکی تغییر در ادامه ارائه می‌شوند (شمارهٔ (۱)). با این توضیح که از نماد (Θ-ə) به جای نماد (Ä-ä) و نماد (İ-î) به جای نماد (I-i) با اقتباس از فرهنگ شاهمرسی (۱۳۸۷) استفاده شده است.

۱)

Ɑ	A-a	O-o	ü-ü	U-u	Ö-ö	E-e	I-i	İ-î	Θ-ə				
Ɑ	/ɒ/	/ɔ/	/y/	/u/	/ø/	/e/	/i/	/ɯ/	/æ/				
	B-b	P-p	T-t	C-c	Ç-ç	X-x	D-d	R-r	Z-z	J-j	S-s	Ş-ş	Ğ-ğ
Ɑ	/b/	/p/	/t/	/dʒ/	/tʃ/	/x/	/d/	/r/	/z/	/ʒ/	/s/	/ʃ/	/ɣ/
Ɑ	F-f	Q-q	K-k	G-g	L-l	M-m	N-n	H-h	V-v	Y-y	?		

^۱ ترکستان به معنی سرزمین ترکان لفظی فارسی است که هیچ‌گاه به یک منطقهٔ واحد اطلاق نشده است. امروزه منطقه‌ای از آسیای میانه است که شامل ایالت‌های خودمختار سین‌کیانگ چین، قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و شمال افغانستان فعلی می‌شود. ایل ترک از این مناطق به سایر مناطق جهان مهاجرت کرده‌اند.

^۲ Hilaire de Barenton

^۳ hard

^۴ soft

^۵ Isaxanli

/f/ /q/ /k/ /g/ /l/ /m/ /n/ /h/ /v/ /j/ /ʔ/

۲. پیشینه پژوهش

در زبان‌شناسی، ساخت‌واژه به نظام ذهنی دربرگیرنده فرم واژه‌ها یا شاخه‌ای از زبان‌شناسی اطلاق می‌شود که با واژه‌ها، ساختار درونی و چگونگی تشکیل آن‌ها در ارتباط است (آرونف^۱ و فیودمن^۲، ۲۰۱۱). واژه‌ها از اجزای کوچک‌تری به نام تکواژ تشکیل شده‌اند. تکواژ کوچک‌ترین واحد انتزاعی معنا یا نقش دستوری است (کاتامبا و استانهام، ۱۹۴۷). حسینی بهشتی (۱۳۹۳) به نقل از کاتامبا و استانهام (۱۹۴۷) اظهار می‌دارد که ساخت‌گرایان، واژه‌ها را به عناصر کوچک‌تر یعنی تکواژها تجزیه می‌کردند که دارای معنا و نقش دستوری بودند. ساخت‌واژه از نظر آنان مطالعه تکواژها و ترتیب قرارگرفتن آن‌ها در ساخت کلمه بود. یکی از انواع تکواژها در زبان‌ها تکواژ منفی‌ساز است.

عرفانی‌راد (۱۳۹۲) به نقل از آیچیسن^۳ (۲۰۰۱) می‌نویسد که منفی‌سازی به عنوان عاملی شناخته می‌شود که درک گفتار را به تأخیر می‌اندازد. بر اساس اصل آیین^۴ بیکر^۵ (۱۹۸۵) مبنی بر اینکه اشتقاق‌های ساخت‌واژی باید اشتقاق‌های نحوی را به طور مستقیم منعکس کند، جایگاه گروه نفی در زبان آذری تحت تسلط گروه زمان و مسلط بر گروه فعلی است (عرفانی‌راد، ۱۳۹۲). در فرایند منفی‌سازی، یک گزاره، انکار گزاره دیگر است و عناصری که وجود آن‌ها سبب پیدایش مفهوم نفی و سلب می‌شود، «نشانه‌های نفی» هستند. زبان ترکی آذری حاوی «عناصر توافق منفی» است و تکواژ [heç] «عناصر توافق منفی» محسوب می‌شود (تفکری رضایی و همکاران، ۱۳۹۴).

روشن و باقری (۱۳۹۲) به نقل از رامات^۶ (۱۹۹۶) می‌نویسند، جمله منفی زمانی به کار می‌رود که بر خلاف اطلاعات مشترک بین گوینده و شنونده، برقراری وضعیتی معمول یا حضور کسی یا چیزی اتفاق نمی‌افتد و معتقدند که جملات منفی برای اطلاعات نو به کار نمی‌روند. نفی یا انکار از دید (فرزانه، ۱۳۷۷) عدم وقوع یا حدوث حرکات و کنش‌ها است. او (۱۳۷۷) ضمن تأکید بر این‌که تکیه در افعال منفی روی هجای قبل از هجای دارای نشانه نفی قرار می‌گیرد و اگر روی نشانه نفی قرار گیرد، کلمه از حالت فعل، به حالت اسم فعلی^۷ در می‌آید. وی (۱۳۷۷) پیوند دوشکلی [ma] و [mə] را به عنوان نشانه نفی معرفی می‌کند. نائبی

^۱ M. Aronoff

^۲ K. Fudeman

^۳ J. Aitchison

^۴ The mirror principle

^۵ M. C. Baker

^۶ P. Ramat

^۷ به نظر می‌رسد «اسم فعلی» معادل صفت مفعولی در زبان فارسی باشد. برای مثال: Yazma= (ننویس) (با تکیه بر هجای اول) به صورت اسم فعلی yazma= (نوشته) (با تکیه بر هجای دارای نشانه ma) در می‌آید.

(۱۳۸۷) نیز ضمن اشاره به این دو تکواژ تأکید می‌کند که از اضافه‌شدن این دو تکواژ به فعل، اسم و صفت نیز ساخته می‌شود، که نباید با افعال منفی اشتباه گرفته شوند. شاهمرسی (۱۳۸۷) در مورد منفی‌کردن فعل مثبت از اضافه‌کردن [ma] و [mə] پس از ریشه فعل و از واژه [yox] نیز به عنوان قید نفی یاد می‌کند.

عبدالله‌اف^۱ (۲۰۱۳) معتقد است، چهاروند [bi- na- anti- a] از عربی و فارسی به زبان ترکی آذری وارد شده‌اند و از تکواژهایی مانند [nə, nədə, nədə ki] به عنوان ارتباط‌دهنده‌های نفی صحبت می‌کند. او (۲۰۱۳) (yox, xeyr, heç, heç də, asla) را ادات نفی می‌نامد و می‌نویسد دو واژه (yox, xeyr) برای نفی در گفتگو^۲ استفاده می‌شوند. عیسی‌خانلی و همکاران (۱۹۹۷) علاوه بر به‌کارگیری [ma] و [mə] در زمان‌های مختلف افعال از کاربرد دو منفی‌ساز [yox] و [deyil] هم مطالبی آورده‌اند. مهدیخانی (۱۳۹۱) علاوه بر تکواژگونه‌های منفی‌ساز [ma] و [mə] از تکواژگونه [m] هم در فرایند منفی‌سازی نام می‌برد و تکواژ [siz] را در شکل‌های مختلف آن به عنوان تکواژ صفت‌ساز مورد بررسی قرار می‌دهد.

به طور کلی می‌توان گفت بیش‌تر دستورنویسان، دو تکواژ [ma] و [mə] را که نشانه صوری منفی‌سازی بوده و فعل را در زبان ترکی منفی می‌کنند، به عنوان منفی‌ساز معرفی کرده‌اند. از سوی دیگر، به تغییراتی که این دو تکواژ در زمان‌های مختلف افعال پیدا می‌کنند و ممکن است برای علاقه‌مندان یادگیری این زبان، ابهام ایجاد کنند، توجهی نشده است. پژوهش‌ها در زمینه منفی‌سازی گسترده است و همان‌طور که اشاره شد در خصوص منفی‌سازی در زبان ترکی آذری نیز بررسی‌هایی صورت گرفته اما اکثر این پژوهش‌ها از دیدگاه نحوی به این بحث پرداخته‌اند. لذا در این پژوهش سعی شد تکواژهای منفی‌ساز در زبان ترکی آذری از دیدگاه ساخت‌واژی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، در این مطالعه تلاش می‌شود بر خلاف پژوهش‌های پیشین در این زمینه، هم تکواژهایی که به طور صریح مفهوم نفی را به جمله وارد می‌کنند و هم تکواژهایی بررسی شوند که به طور ضمنی در ایجاد مفهوم نفی در جمله دخیل هستند.

۳. چارچوب نظری

همان‌طور که اشاره شد فرایند منفی‌سازی از جمله فرایندهایی است که زبان‌های دنیا به گونه‌ای از آن جهت انتقال مفهوم در جملات خود استفاده می‌کنند. تحقیقات گسترده‌ای در حوزه صرف و مفهوم نفی صورت گرفته است که هر کدام از دیدگاه خاصی به بررسی این فرایند پرداخته‌اند. در زبان ترکی آذری نیز مفهوم نفی از دید نحوی بررسی شده است. لذا این پژوهش به دنبال بررسی فرایند نفی از دیدگاه صرفی است.

^۱ G. Abdullayeva

^۲ dialog

همان‌گونه که اشاره شد، همهٔ زبان‌ها به گونه‌ای از مفهوم نفی استفاده می‌کنند. در زبان انگلیسی منفی-سازی یا با اضافه‌شدن سازه‌های نفی (not, no, nobody, nothing, neither, nowhere, none, etc) که به آن «نفی صریح»^۱ اطلاق می‌شود و یا به وسیلهٔ «افعال نقض» (to fail, to refuse, to lack, to reject, etc) و یا با استفاده از وندهای نفی (un-, im-, in-, a-, non-, -less) شکل می‌گیرد که «نفی ضمنی»^۲ خوانده می‌شود (سلیمانف،^۳ ۲۰۱۰). برخلاف «نفی صریح» که از نظر دستوری یا ساخت‌واژی علامت‌دار است، «نفی ضمنی» مفهومی معنایی-نحوی است که به جملاتی گفته می‌شود که با حضور بعضی از «قیدها»^۴، «کمیت‌سنج‌ها»^۵، «حروف ربط»^۶، «ادات»^۷ و غیره از نظر معنایی منفی می‌شوند (فلیح الغزالی^۸، ۲۰۱۳).

سلیمانف (۲۰۱۰) ضمن بررسی نفی در داستان^۹ می‌نویسد، عناصر نفی در جمله نه تنها با ساختار جمله، بلکه با عناصر ارتباطی، کاربردی، معناشناختی-نقشی و سبک ادبی هم مرتبط است و نفی، اساساً یک ابزار توضیحی است برای توضیح آن‌چه که بر خلاف انتظار خواننده از متن داستان بایستی اتفاق می‌افتاد و اتفاق نمی‌افتد.

- 2) Every day the Princess would sit on the cool stones of the palace well, tossing a golden ball high in the air... But one day she accidentally tossed her ball too high, and when it came down she could not catch it.

(سلیمانف، ۲۰۱۰)

سلیمانف (۲۰۱۰) با درج قسمت‌هایی از یک داستان که در مثال (شماره ۲) آمده است، اشاره می‌کند که مؤلف در عوض جملهٔ "she could not catch it" می‌توانست جملهٔ "she failed to catch it" را به کار ببرد، اما برای برانگیختن تعجب خواننده و تغییر حد انتظار او، از فرم «نفی صریح» استفاده کرده است (مثال شماره ۲). البته متغیرهای بیان «نفی ضمنی» برای تمایز رابطهٔ درون متن نیز نقش مهمی برعهده دارند. بررسی معناشناختی نفی این نتیجه را به همراه دارد که معنای نفی فقط به واسطه دستور زبان درک نمی‌شود، بلکه بر اساس آرایه‌های زبانی و به واسطه بیان «صریح و ضمنی» آن درک می‌شود. واحدهای واژگانی نظیر (to fail, to

^۱ explicit

^۲ implicit

^۳ V. Süleymanova

^۴ adverbials

^۵ quantifiers

^۶ conjunctions

^۷ particles

^۸ M. Falih al-ghazalli

^۹ narration

reject بر مفاهیم معناساختی نفی دلالت دارند، چنین عناصری در نفی در حوزه معناساختی-واژگانی سیستم زبانی دارای مشخصه جهانی هستند. به مثال‌های (۳) تا (۵) دقت کنید:

- 3) She refused to take part in the meeting.
- 4) She did not accept to take part in the meeting.
- 5) It was not true that she accepted to take part in the meeting.

(سلیمانف، ۲۰۱۰)

وی (۲۰۱۰) معتقد است، چنین وضعیتی ممکن است در زبان آذری هم اتفاق بیفتد. در مثال‌های ۶ و ۸ نفی با استفاده از افعال نقض ساخته شده است و بیانگر «نفی ضمنی» است.

- 6) O, öz təqirini inadla danırdı.

او تقصیر خود را سرسختانه انکار می‌کرد.

- 7) Bu doğru deyildir ki, o, öz təqirini boynuna aldı.

این درست نیست که او تقصیرش را گردن گرفت.

- 8) O, öz təqirini boynuna almadı.

او تقصیر خود را گردن نگرفت.

- 9) Bu doğru deyildir ki, o, öz təqirini boynuna aldı.

این درست نیست که او تقصیرش را گردن گرفت.

(سلیمانف، ۲۰۱۰)

با توجه به این‌که در پژوهش حاضر همه تکواژهایی بررسی می‌شوند که به نحوی در فرایند منفی‌سازی در زبان ترکی آذری دخیل هستند، لذا تکواژهای منفی‌ساز در زبان ترکی، بر اساس نظر سلیمانف (۲۰۱۰)، به دو دسته نفی صریح و نفی ضمنی تقسیم می‌شوند. پس از بررسی مثال‌ها، نحوه مشارکت آن‌ها در فرایند منفی‌سازی بررسی می‌شوند. بنابراین در این مطالعه تلاش می‌شود جملاتی با توجه به شم زبانی گویشور و سایر گویشوران زبان ترکی آذری همچنین جملاتی از سه کتاب ذکر شده که حاوی تکواژهای منفی‌ساز صریح و ضمنی هستند جمع‌آوری شوند. این جملات پس از بررسی در دسته نفی صریح و ضمنی، تقسیم‌بندی و از نظر ساخت‌واژی تحلیل می‌شوند.

۴. تحلیل داده‌ها

تکواژهایی که در فرایند نفی در زبان ترکی آذری به کار می‌روند به صورت تکواژهای آزاد یا وابسته و یا از دسته ادات و قیده‌های نفی می‌باشند. روشن و باقری (۱۳۹۲) به نقل از پایین^۱ (۱۹۸۵) از اصطلاح «نفی معیار»^۱

^۱ J. R. Payne

برای اشاره به روش اصلی منفی‌سازی هر زبان سخن به میان می‌آورند. در نتیجه، می‌توان گفت «نفی معیار» یا همان گونه که قبلاً گفته شد، «نفی صریح» در زبان ترکی آذری با استفاده از نشانه‌های منفی‌ساز صوری، یعنی تکواژهای [ma] و [mə] ساخته می‌شود که این تکواژها در مواجهه با زمان‌های مختلف فعل صورت‌های دیگری پیدا می‌کنند. در ادامه به این موارد پرداخته می‌شود.

نفی در ترکی آذری با استفاده از افعال منفی [yox] و [deyil] نیز صورت می‌گیرد.

10) Şairin aləmi ölməz, ona aləmdə zaval yox.

دنیای شاعر نمی‌میرد، برای او در عالم زوالی نیست. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

11) O sözə ağlayan tək mən deyiləm.

برای آن صحبت، تنها من گریان نیستم. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

تکواژهای منفی‌ساز چهارشکلی [siz, suz, siz, süz] هم با اتصال به اسم صفت می‌سازند. بدین صورت که اگر آخرین حرف صدادار کلمه a, i باشد تکواژ siz، اگر آخرین حرف صدادار کلمه ë و ï باشد siz، اگر آخرین حرف صدادار کلمه o, u باشد تکواژ suz و بالاخره اگر آخرین حرف صدادار کلمه ö و ü باشد تکواژ süz استفاده می‌شود. این تکواژها را شاید بتوان معادل پیشوند [bi] در فارسی قرار داد که می‌توانند به جمله مفهوم منفی بدهند.

12) Qəlbim sən ilə şad olı, sənsiz də şad olmaz.

قلبم با تو شاد می‌شود و بی تو هم شاد نمی‌شود (کلیات اشعار ترکی، شهریار).

اگر جمله فقط یک فعل بسیط داشته باشد، فعل نشانهٔ نفی می‌گیرد و منفی می‌شود، اما گاهی در جمله افعال با افعال کمکی یا شبه‌کمکی همراه هستند، که نشانهٔ نفی گاه به فعل کمکی و گاه به فعل اصلی و گاه به هر دو متصل می‌شود و صورت‌های متفاوتی را به وجود می‌آورد.

13) İstəməz getsin.

لازم نیست برود.

14) İstəmirsən gedəsən?

نمی‌خواهی بروی؟

15) İstəmirəm getməyim.

نمی‌خواهم بروم.

16) İstəyirəm getməyim.

می‌خواهم بروم.

البته در مورد افعال وجهی که با استفاده از فعل کمکی [bilmək] به معنی «توانستن» ساخته می‌شوند، تنها این فعل کمکی است که می‌تواند منفی شود و منفی کردن فعل اصلی غیردستوری است. مانند مثال‌های (۱۷) تا (۲۰):

17) Gələ bilər.

می‌تواند بیاید.

18) Gələ bilməz.

^۱ Standard negation

نمی‌تواند بیاید.

19) *^۱gəlməyə bilər.

می‌تواند نیاید.

20) *gəlməyə bilməz.

نمی‌تواند نیاید.

همان‌گونه که ذکر شد، ادات هم به نوعی در فرایند منفی‌سازی ایفای نقش می‌نمایند و حضور بعضی از ادات مفهوم منفی به جمله می‌دهد. ادات (یا به زبان ترکی یاراقلار) در زبان ترکی آذری بر اساس تعریفی که نائبی (۱۳۸۷) ارائه می‌دهد، نه دارای معنا و مفهوم مستقل و نه کلاً بی‌معنی هستند. این عناصر در واقع نقش ارتباطی بین اجزای جمله را بازی می‌کنند. به این معنی که مفهوم خود را از بافتی دریافت می‌کنند که در آن قرار می‌گیرند. نائبی (۱۳۸۷) ادات را به ۱۸ دسته تقسیم می‌کند که برخی از آن‌ها ادات انکار و تصدیق هستند و در بخش‌های بعدی به بررسی و شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

مفهوم نفی را می‌توان به کمک واژه‌های دارای مفهوم منفی یا با استفاده از نشانه‌های صوری نفی بیان کرد. در خصوص تقابل یا تضاد نیز این مفهوم را می‌توان از طریق واژه‌های متضاد مانند درست-غلط یا با افزودن نفی به واژه‌ای به مفهوم متضاد آن دست یافت (مانند درست-نادرست). پس می‌توان گفت که مفهوم منفی از طریق مفاهیم متضاد هم قابل انتقال است. یول^۲ (۱۳۸۹) واژه‌های متضاد را به دو دسته «قابل درجه-بندی»^۳ و «غیرقابل درجه‌بندی»^۴ تقسیم می‌کند. از نظر یول (۱۳۸۹) صورت منفی یکی از دو واژه متضاد قابل درجه‌بندی، الزاماً دلالت بر دیگری نمی‌کند، مثل واژه‌های نو و کهنه، در حالی که در واژه‌های متضاد غیرقابل درجه‌بندی، نفی یک واژه دلیل وجود دیگری است، مثل واژه‌های مرده و زنده. در زبان ترکی هم واژه‌های متضاد را می‌توان به غیرقابل درجه‌بندی و قابل درجه‌بندی تقسیم کرد. متضادهای قابل درجه‌بندی مانند / alçaq (کوتاه)-uca (بلند) / nazik (نازک)-qalın (کلفت)... و متضادهای غیرقابل درجه‌بندی مانند / öli (مرده)-diri (زنده)/ و / evli (متاهل)-subay (مجرد)/.

21) Ömrümüzün köçü burdan keçibdir, keçib, gedib gedər gəlməz5 yollara.

کوچ عمر ما از این‌جا گذر کرده و به راه‌های بی‌بازگشت رفته است. (کلیات اشعار ترکی شهریار)
حال، با این مقدمه به بررسی جداگانه تکواژه‌هایی پرداخته می‌شود که در فرایند منفی‌سازی ایفای نقش می‌کنند.

^۱ *نشانه غیردستوری بودن جمله است (لازم به ذکر است که فقط صورت ترکی جملات ۱۹ و ۲۰ غیردستوری است).

^۲ G. Yule

^۳ gradable

^۴ non-gradable

^۵ اصطلاح gedər gəlməz دوگان‌ساختی متشکل از دو واژه متضاد (رفتن و نیامدن) در ترکی است.

۱-۴. بررسی انواع تکواژهای منفی‌ساز در زبان ترکی آذری

در این بخش انواع تکواژهای منفی‌ساز از جمله [ma] و [mə] بررسی می‌شوند.

۱-۴-۱. تکواژهای [ma] و [mə]

این دو تکواژ وابسته که بیش‌تر دست‌نویسان از آن‌ها به عنوان نشانهٔ نفی در ترکی نام می‌برند و در واقع، وند منفی‌ساز و نشانهٔ اصلی منفی‌سازی یا همان‌گونه که قبلاً گفته شد، نشانهٔ «نفی معیار» و یا «نفی صریح» در زبان ترکی هستند. تفکری رضایی و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند که وند [ma] «نشانه‌گر نفی» و «عامل نفی جمله‌ای» در زبان ترکی آذری است. در حقیقت، دو تکواژ [ma] و [mə] دو شکل از یک تکواژ هستند که بسته به واژه‌های واژه مورد نظر بر اساس فرایند هماهنگی واژه‌ای استفاده می‌شوند. این تکواژها مابین ستاک یا ریشهٔ فعل و تکواژهای زمان‌ساز در فعل قرار می‌گیرد و به فعل، حالت نهی یا نفی می‌دهند. لازم به ذکر است که ستاک در زبان ترکی از حذف نشانه‌های مصدری [maq] و [mæk] از انتهای مصدر به دست می‌آید و اغلب معادل فعل امر در این زبان است. به عنوان مثال، واژه‌های gəlmə (نیا) - silmə (پاک نکن) - yazma (نویس) - oxuma (نخوان) به ترتیب صورت نهی افعال امری [yaz- sil- gəl] و [yaz- oxu] از مصدرهای gəlmək (آمدن) - silmək (پاک کردن) - yazmaq (نوشتن) - oxumaq (خواندن) می‌باشند. تکواژهای [ma] و [mə] با توجه به زمان افعال به شکل تکواژهای [m] - [may] - [məy] - [məz] - [maz] نیز به کار می‌روند.

برای اثبات این تغییرات در تکواژهای [ma] و [mə]، در ادامه دو فعل از مصدرهای gəlmək (آمدن) و yazmaq (نوشتن) در زمان‌ها و صیغگان مختلف به دو صورت مثبت و منفی تصریف و سپس به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود. این دو فعل از آن جهت انتخاب شدند که از لحاظ نرمی و سختی در واژه متفاوت هستند. زمان آینده در زبان ترکی به دو صورت «آینده معین» و «آینده نامعین» تصریف می‌شود، که بر طبق نظر سیگل^۱ (۲۰۰۷) تکواژهای زمان‌ساز در زمان آینده نامعین [-ar, -ər- yar, -yər] و در زمان آینده معین [-acaq, -əcək-yacaq, -yəcək] می‌باشند که این تکواژها، مابین ستاک یا ریشهٔ فعل و شناسه قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است اگر تکواژی که بعد از تکواژهای گروه دوم قرار می‌گیرد، با واژه آغاز شود، q به g و k به y تغییر شکل می‌دهند. مثال‌های (۲۲) و (۲۳) زمان آینده را در زبان ترکی آذری نشان می‌دهند.

^۱ A. Siegle

22)	زمان فعل	1 st sg	2 nd sg	3 rd sg	1 st pl	2 nd pl	3 rd pl
	آینده نامعین مثبت	gələrəm	gələrsən	gələr	gələrik	gələrsiniz	gələrlər
	آینده نامعین منفی	gəlmərəm	gəlmərsən	gəlməz	gəlmərik	gəlmərsiniz	gəlməzlər
	آینده نامعین مثبت	Yazaram	Yazarsan	Yazar	Yazariq	Yazarsiniz	Yazarlar
	آینده نامعین منفی	Yazmaram	Yazmazsan	Yazmaz	Yazmariq	Yazmazsınız	Yazmazlar

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مثال (۲۲) اول شخص (مفرد و جمع) زمان آینده نامعین در هر دو

فعل با تکواژ [m] منفی شده، اما در دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع تکواژهای زمان ساز [-ar,-ər] حذف

و جای خود را به تکواژهای منفی‌ساز [məz] و [maz] داده است.

23)	زمان فعل	1 st sg	2 nd sg	3 rd sg	1 st pl	2 nd pl	3 rd pl
	آینده معین مثبت	gələcəyəm	gələcəksən	gələcək	gələcəyik	gələcəksiniz	gələcəklər
	آینده معین منفی	gəlməyəcəgəm	gəlməyəcəksən	gəlməyəcək	gəlməyəcəyik	gəlməyəcəksiniz	gəlməyəcəklər
	آینده معین مثبت	Yazacağam	Yazacaqsan	Yazacaq	Yazacağiq	Yazacaqsınız	Yazacaqlar
	آینده معین منفی	Yazmayacağam	Yazmayacaqsan	Yazmayacaq	Yazmayacağiq	Yazmayacaqsınız	Yazmayacaqlar

در مثال (۲۳) از تکواژهای [məy] و [may] برای نفی در تمام صیغه‌های زمان آینده معین استفاده شده است.

24)	زمان فعل	1 st sg	2 nd sg	3 rd sg	1 st pl	2 nd pl	3 rd pl
	حال ساده مثبت	gəlirəm	gəlirsən	gəlir	gəlirik	gəlirsiniz	gəlirlər
	حال ساده منفی	gəlmirəm	gəlmirsən	gəlmir	gəlmirik	gəlmirsiniz	gəlmirlər
	حال ساده مثبت	Yaziram	Yazırsan	Yazır	Yaziriq	Yazırsınız	Yazirlar
	حال ساده منفی	Yazmiram	Yazmırsan	Yazmir	Yazmiriq	Yazmırsınız	Yazmirlar

(عیسی خانلی و همکاران، ۱۹۹۷)

تکواژهای چهار شکلی [ir, ir, ur, ür] تکواژهای زمان حال هستند که طبق فرایند هماهنگی واکه‌ای

انتخاب می‌شوند. در مثال (۲۴) برای منفی کردن افعال در این زمان از تکواژ [m] استفاده شده است.

25)	زمان فعل	1 st sg	2 nd sg	3 rd sg	1 st pl	2 nd pl	3 rd pl
	مضارع التزامی مثبت	gələm	gələsən	gələ	gələk	gələsiniz	gələlər
	مضارع التزامی منفی	gəlməyəm	gəlməyəsən	gəlməyə	gəlməyək	gəlməyəsiniz	gəlməyələr
	مضارع التزامی مثبت	Yazam	Yazasan	Yaza	Yazaq	Yazasınız	Yazalar
	مضارع التزامی منفی	Yazmayam	Yazmayasan	Yazmaya	Yazmayaq	Yazmayasınız	Yazmayalar

تکواژهای [a] و [ə] تکواژهای زمان مضارع التزامی هستند. همان‌گونه که دیده می‌شود، در مثال (۲۵) برای منفی‌سازی از تکواژهای [may] و [məy] در همهٔ صیغگان استفاده شده است.

26)	زمان فعل	1 st sg	2 nd sg	3 rd sg	1 st pl	2 nd pl	3 rd pl
مثبت	گذشته استمراری	gələrdim	gələrdin	gələrdi	gələrdik	gələrdiniz	gələrdilər
منفی	گذشته استمراری	gəlməzdim	gəlməzdin	gəlməzdi	gəlməzdik	gəlməzdiniz	gəlməzdilər
مثبت	گذشته استمراری	Yazardım	Yazardın	Yazardı	Yazardıq	Yazardınız	Yazardılar
منفی	گذشته استمراری	Yazmazdım	Yazmazdın	Yazmazdı	Yazmazdıq	Yazmazdınız	Yazmazdılar

تکواژهای چهارشکلی [di, dī, du, dū] تکواژهای زمان گذشته استمراری هستند. در مثال (۲۶) دیده می‌شود که برای منفی کردن افعال در این زمان از تکواژهای [maz] و [məz] برای تمام صیغگان استفاده شده است.

27)	زمان فعل	1 st sg	2 nd sg	3 rd sg	1 st pl	2 nd pl	3 rd pl
مثبت	ماضی نقلی	gəlmişəm	gəlibsən	gəlib	gəlmişik	gəlibsiniz	gəliblər
منفی	ماضی نقلی	gəlməmişəm	gəlməyibsən	gəlməyib	gəlməmişik	gəlməyibsiniz	gəlməyiblər
مثبت	ماضی نقلی	Yazmışam	Yazıbsan	Yazıb	Yazmışıq	Yazıbsınız	Yazıblar
منفی	ماضی نقلی	Yazmamışam	Yazmayıbsan	Yazmayıb	Yazmamışıq	Yazmayıbsınız	Yazmayıblar

(مهديخانی، ۱۳۹۱)

تکواژهای زمان ماضی نقلی برای اول شخص مفرد و جمع تکواژهای چهارشکلی [miş, miş, muş, müş] و برای دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع تکواژهای چهار شکلی [ib, İb, ub, üb] هستند. در مثال (۲۷) مشاهده می‌شود که برای منفی‌سازی در صیغه‌های اول شخص مفرد و جمع از تکواژهای [ma] و [mə] استفاده شده است، اما در دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع، تکواژ منفی‌ساز یکی از تکواژهای [may, məy] است. به نظر می‌رسد سایر زمان‌های فعل، به‌جز موارد ذکرشده، تابع منفی‌سازی با تکواژهای [ma] و [mə] باشند.

۴-۱-۲. تکواژ deyil

همان‌گونه که گفته شد، زبان ترکی آذری زبانی پیوندی است و کلمات با استفاده از پسوندها و پیشوندهایی تولید می‌شوند. با اضافه کردن پسوندهای فعلی شخصی به ریشهٔ فعل، زمان‌های مختلف افعال ساخته می‌شوند. برای افعال "to be" در زمان حال وضعیت خاصی وجود دارد، چون شکل اصلی این افعال اساساً وجود ندارد. پسوند فعلی شخص به آخرین کلمه در جمله ضمیمه می‌شود و برای منفی کردن این افعال از واژهٔ نفی [deyil] استفاده می‌شود (سیگل، ۲۰۰۷). تفکری رضایی و همکاران (۱۳۹۵) واژه‌های [yox] و

[deyil] را «نشانگر نفی» و عامل «نفی سازه‌ای» و «نفی وجود» می‌دانند. [deyil] تکواژی آزاد است که ماهیت منفی دارد و معادل واژه «نیست» در زبان فارسی است. این تکواژ برای منفی کردن گزاره‌های اسمی در زبان ترکی به کار می‌رود و معادل [not] در انگلیسی است (عیسی‌خانلی و همکاران، ۱۹۹۷). واژه [deyil] در زمان حال (مثال ۲۸) و زمان گذشته (مثال ۲۹) قابل تصریف است.

28) Mən tələbəyəm.

من دانش‌آموزم

Mən tələbə deyiləm

من دانش‌آموز نیستم

29) O həkim cavandır.

آن پزشک جوان بود

O həkim cavan deyildir.

آن پزشک جوان نبود (سیگل، ۲۰۰۷)

30) Adam deyil, mələkdir.

آدم نیست، فرشته است

۴-۱-۳. تکواژ [yox]

تکواژ [yox] نیز تکواژی آزاد است که خود ماهیت منفی دارد و نشانگر نفی است. معادل واژه‌های «نه» و «نیست» و «نداشتن» در زبان فارسی است. برای منفی کردن جملات دارای فعل "var" به معنی «هست» و «وجود دارد»، به کار می‌رود و برای منفی کردن صرفاً جایگزین آن می‌شود (سیگل، ۲۰۰۷). تفکری رضایی و همکاران (۱۳۹۵) آن را «نشانگر نفی» و «عامل نفی سازه‌ای» و «نفی وجودی» می‌دانند. نائبی (۱۳۸۷) آن را جزء ادات انکار قرارداده است. این تکواژ می‌تواند به صورت قید نفی در اول جمله قرار گیرد و در پاسخ منفی به مخاطب به معنی «نه» به کار می‌رود که در شکل مؤدبانه، تکواژ [xeyr] را می‌توان به جای آن استفاده کرد، مانند مثال (۳۲). این تکواژ هم با شناسه و هم بدون شناسه می‌تواند در جایگاه فعل نیز قرار گیرد. تکواژهای [əsla, əbədə, toba] هم به عنوان ادات انکار می‌توانند در جایگاه قید نفی برای پاسخ منفی به سؤال، به جای این تکواژ استفاده شوند.

31) Adı var, özi yox.

اسمش هست، خودش نیست.

32) -Bəlkə qorxutdum sizi?

شاید شما را ترساندم؟

-xeyr, əsla.

(عبدالله‌اف، ۲۰۱۳)

خیر، اصلاً!

۴-۱-۴. تکواژ [-siz]

تکواژ [-siz]، تکواژی وابسته است که به تنهایی استفاده نمی‌شود بلکه به صورت پسوند به اسم اضافه می‌شود و از آن صفت می‌سازد. از این رو می‌توان آن را پسوند صفت‌ساز نیز دانست. این تکواژ فقدان و نبود چیزی را در مدلول خود نشان می‌دهد، یا به عبارتی «نفی وجود» چیزی را می‌رساند و معادل واژه «بدون» و یا پیشوند «بی» در زبان فارسی است. این تکواژ به صورت‌های [süz] و [suz] و [süz] نیز بر اساس فرایند هم‌هنگی واکه‌ای استفاده می‌شود. کلماتی مانند *ğəmsiz* (بی‌غم)، *oğulsuz* (بی‌پسر)، *ütüsüz* (بدون اتو)، *işiqsiz* (بدون روشنایی) با استفاده از شکل‌های مختلف این تکواژ ساخته شده‌اند. مهدیخانی (۱۳۹۱) از این تکواژ به عنوان تکواژ صفت‌ساز نام می‌برد و می‌گوید شاید بتوان آن را معادل «بی» در فارسی دانست.

33) Təbiət köçdi sənsiz, şəhriyarın dağlı təbindən.

طبیعت بی تو کوچ کرد، از طبع سوزان شهریار (کلیات اشعار ترکی شهریار)

۴-۱-۵. تکواژ [istər]

شاهمرسی (۱۳۸۷) از تکواژ [istər] به عنوان ادات ربط نام می‌برد. این تکواژ می‌تواند افعال متضاد را در ساخت‌های هم‌پایه قرار دهد که این تضاد ممکن است از نظر «مفهومی» یا «نفی فعل» باشد. بنابراین به این دلیل که تکواژ [istər] می‌تواند کلماتی با معنای متضاد یا منفی را به هم وصل کند، می‌توان گفت جزو تکواژهایی است که به نوعی در فرایند نفی به طور ضمنی در زبان ترکی شرکت می‌کند.

34) Dibdə Allah udacaq bu qumarı, şeytan istər uda, istər uduza.

آخر خدا این قمار را خواهد برد، شیطان خواه ببرد، خواه ببازد

(کلیات اشعار ترکی شهریار)

35) İstər otur , istər dur.

خواه بنشین، خواه بایست

36) İstər get , istər getmə.

خواه برو، خواه نرو

۴-۱-۶. تکواژ [yalansa]

نائبی (۱۳۸۷) این تکواژ را در دسته ادات انکار و تصدیق قرار می‌دهد. این تکواژ در مواردی به کار می‌رود که شخص سعی در انکار مسئله یا موضوعی دارد که به وی نسبت داده شده است. تکواژ [yalansa] را معمولاً یک جمله حاوی نفرین یا توهین دنبال می‌کند و فرد به این شکل سعی در رد مسئله‌ای دارد که از زبان وی گفته شده است. البته در مواردی هم برای انکار مسئله‌ای به کار می‌رود که به صورت مزاح به فردی نسبت داده

می‌شود، و جمله نفرینی هم جنبه مزاح پیدا می‌کند. در برخی از گویش‌ها به صورت [yalanča] تلفظ می‌شود. بنابراین چون این تکواژ به نوعی مفهوم منفی و انکار مسئله‌ای را القا می‌کند، این تکواژ نیز جزو تکواژهای حوزه منفی‌سازی در جملات زبان ترکی به شمار می‌رود.

37) Yalansa, onu xeyr görməsin.

[یا لانسا/یا لانچا] او خیر نبیند

38) Yalansa, onu yazıq ilan vursun.

[یا لانسا/یا لانچا] مار بیچاره او را نیش بزند (اصلان اوغلو، ۲۰۰۹)

۴-۱-۷. تکواژ [heç]

تکواژ [heç] را شاهمرسی (۱۳۸۷) معادل «هیچ، عدم، نیستی، ابدأ، به کلی، به هیچ وجه، اصلاً» در فارسی معنا می‌کند و به عنوان قید استفهام از آن نام می‌برد. نایبی (۱۳۸۷) آن را جزو ادات انکار محسوب می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، تفکری رضایی و همکاران (۱۳۹۵) این واژه را «عنصر توافق منفی» می‌دانند و معتقدند برخی زبان‌شناسان به علت هم معنا دانستن [heç] با [any] آن را «عنصر قطب منفی» تلقی می‌کنند. ایشان حضور [heç] در جملات ترکی را مشروط به حضور یکی از نشانگرهای نفی یعنی [ma] و [yox] و [deyil] می‌دانند. [heç] دارای صورت‌های ترکیبی heç bir(i), heç kim(sə), heç vaxt, heç kəs, heç nə می‌باشد که این صورت‌ها در جملات منفی بخش خاصی از مقوله کلام را منفی می‌کنند و عیسی خانی و همکاران (۱۹۹۷) این صورت‌های ترکیبی را ضمائر نامعین می‌دانند.

39) Heç bilmədik nə vaxt küllükdən aşıdıq..

اصلاً نفهمیدیم کی از تپه خاکستر گذشتیم. (حیدر بابایه سلام، شهریار)

40) Atılan ox, atılan söz heç biri qayıtmaz.

نیزه پرتاب شده و حرف گفته شده، هیچکدام بر نمی‌گردد. (صادقی قورولو، ۱۳۹۰)

41) Heç kimsə –yə belə sovqat gəlməyib.

برای هیچکس این چنین سوغاتی نیامده است. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

42) Heç bilmədim, gözəllərun necə oldi.

اصلاً ندانستم، زیبارویانت چه شدند. (حیدر بابایه سلام، شهریار)

۴-۱-۸. تکواژ [yoxsa]

تکواژ [yoxsa] را زارع شاهمرسی (۱۳۸۷) به عنوان حرف ربط به معنی «وگرنه»، نایبی (۱۳۸۷) به عنوان ادات استفهام و فرزانه (۱۳۷۷) به عنوان ادات ربطی تبعی که ارکان غیرمستقیم و وابسته، کلام را به هم ربط می‌دهد و عیسی خانی و همکاران (۱۹۹۷) به عنوان حرف ربط به معنی «یا» نام می‌برند. این تکواژ به عنوان حرف ربط بین دو کلمه متضاد و یا دو جمله که دست‌کم، یکی از آن‌ها منفی است، قرار می‌گیرد و

مفهومی منفی به جمله می‌دهد. بنابراین چون این تکواژ به عنوان رابطی برای دو کلمه یا جمله‌ای که یکی یا هر دو منفی است به کار می‌بریم، لذا این تکواژ نیز در بحث منفی‌سازی و مفاهیم منفی زبان ترکی بررسی می‌شود.

43) Mənim yolum məhəbbət caddəsi idi... yoxsa, mən də bir kəs ilə qərəz yox....

راه من جاده محبت بود... وگرنه، من با کسی غرضی ندارم.... (حیدربابایه سلام، شهریار)

44) Səfəvinin qılıcı bu qələmə baxdı, dedi, gəl əfəzəl yaradaq, yoxsa, ərazel doğulur.

شمشیر صفوی به این قلم نگاه کرد و گفت: بیا برتری خلق کنیم، وگرنه، پستی زاده می‌شود.

(کلیات اشعار ترکی شهریار)

45) Görəsən qar yağacaq, yoxsa, yağış.

آیا برف خواهد بارید یا باران (عیسی خانلی و همکاران، ۱۹۹۷)

46) Yəqin evdə söhbət olub ki, gedib də, yoxsa, məni hardan tanıyir.

حتماً توی خونه صحبتی شده که رفته دیگه، وگرنه، من رو از کجا می‌شناسه. (اصلان اوغلو، ۲۰۰۹)

۴-۱-۹. تکواژ [ancaq]

تکواژ [ancaq] هم در دسته «ادات ربط» قرار می‌گیرد و بیش‌تر معنی «اما» و «به هر حال» به خود می‌گیرد. فرزانه (۱۳۷۷) این تکواژ را در دسته اادات ربط غیرتبعی قرار می‌دهد که ارکان متساوی‌الحقوق و مستقل کلام را به هم ربط می‌دهد. عیسی خانلی و همکاران (۱۹۹۷) آن را در ردیف حرف ربط و معادل «اما» قرار داده‌اند. وجود این تکواژ در جمله مفهومی متضاد یا منفی به جمله می‌دهد. بنابراین چون این تکواژ به نوعی مفهوم منفی یا تضاد به دو جمله‌ای که به هم ربط می‌دهد، اضافه می‌کند لذا این تکواژ را نیز در بحث مفهوم منفی‌سازی زبان ترکی بررسی می‌کنیم.

47) Demirəm biz qul edək dünyanı, dünya ancaq bizi insan sanacaq.

شاید ما از دنیا غول بسازیم، اما دنیا ما را انسان محسوب خواهد کرد. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

48) Mörüvətsiz dəyil sənin qardaşın, Ancaq, sənin kimi oda dardadır.

برادرت بی‌مروت نیست، اما مثل تو او هم در تنگناست. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

49) Ancaq, onu da fikirləşdi ki, qrupda onun heç kimlə bu cür zarafatı yoxdur.

به هر حال فکر کرد که اون توی گروه با کسی این‌طور شوخی نداره (اصلان اوغلو، ۲۰۰۹)

۴-۱-۱۰. تکواژهای [ola,bari,olaydi,...]

نائبی (۱۳۸۷) اداتی [ola, barī, olaydī,...] را در دسته «ادات آرزو» قرار می‌دهد. این تکواژها بیش‌تر

برای بیان آرزو مورد استفاده قرار می‌گیرند و حضور آن‌ها مفهومی منفی به جمله می‌دهد.

50) Qoy mənim bu kütbeyin qizim Barī heç olmasa özündən balacadan öyrənsin ki, dünyada nə var, nə yox.

بذار این دختر کندذهن من، دست کم، از کوچک‌تر از خودش یاد بگیره که توی دنیا چی هست و چی نیست (چه خبره).

۴-۱-۱۱. تکواژهای [başqa, ayrı, sonra, suvay,...]

نائبی (۱۳۸۷) اداتی [başqa, ayrı, sonra, suvay,...] را در دسته «ادات استثنا» قرار داده است. در این دسته از ادات بیش‌تر مواقع معنی «به‌جز» از آن‌ها استنباط می‌شوند و مستثنی‌شدن قسمتی از جمله گاهی مفهومی منفی را به همراه خواهد داشت.

51) Validədən, başqa hamı bostan da idi.

به‌جز مادر، همه توی باغ بودند.

52) Ayrı əlac yox idi.

علاجی جز این نبود.

53) Bir allaha sən də mən tək qulamsan, ondan sonra heç bir kəsdən azun yox.

تو هم مثل من فقط بنده خدا هستی و به‌جز او از هیچ‌کس دیگر کم‌تر نیستی. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

54) Allahdan suvay heç kəs bilmir.

جز خدا هیچ‌کس نمی‌داند.

۴-۱-۱۲. تکواژهای [heyif, hayif,...]

دسته دیگر از ادات که نائبی (۱۳۸۷) «ادات تأسف» نامیده است [heyif, hayif,...] هستند که برای ابراز تأسف از ناکامی‌ها استفاده می‌شوند.

55) Amma heyif, kör tutduğun buraxmaz.

اما حیف! کور کسی را که گرفته، رها نمی‌کند. (حیدربابایه سلام، شهریار)

۴-۱-۱۳. تکواژهای [bircə, bir,...]

نائبی (۱۳۸۷) نام «ادات محدودیت» را بر روی تکواژهای [bircə, bir,...] گذاشته است که این دسته از ادات هم با توجه به بافتی که در آن قرار می‌گیرند، ممکن است، مفاهیمی همچون «ای کاش»، «به هر حال» و... را به خود بگیرند و شاید بتوان گفت در جملات آرزویی به معنی «ای کاش» به آرزوهای محال مثلاً آرزوی

جوان شدن یک فرد مسن اشاره دارد. "bir" در لغت به معنای «یک» است و فقط در بافت جملات آرزوئی به معنای «ای کاش» به کار می‌رود.

56) Bir gedəydim dağ dərələr uzunı.

کاش می‌توانستم طول کوه و دره‌ها را (باز) طی کنم. (حیدربابایه سلام، شهریار)

57) Ya kərəm qıl kinli şeytanın əlindən al bizi, ya ki şeytanın özün ver bircə bu kindən nicat.

یا کرم فرما ما را از دست شیطان بگیر، یا خود شیطان را کاش از این کینه نجات بدهی (کلیات اشعار ترکی شهریار)

۴-۲. تکواژهای فارسی و عربی موجود در زبان ترکی

در این بخش تکواژهای فارسی و عربی موجود در زبان ترکی از جمله تکواژ [na] بررسی می‌شوند.

۴-۲-۱. تکواژ [na]

تکواژ [na] از ادات نفی است و به صورت پیشوند در ابتدای واژه قرار می‌گیرد و آن را منفی می‌کند. طبق فرهنگ «معین» (۱۳۸۱) [na] پیشوندی است به معنی «بی» که بر سر اسم می‌آید و آن را منفی می‌سازد، (مثل «نامن»)، گاهی بر سر صفت نیز می‌آید، (مثل «نادرست») و در کلمات مرکب از «اسم و فعل» اغلب به فعل (جز دوم) ملحق می‌شود (مثل خداناترس)، ولی گاه در اول کلمه و بر سر اسم می‌آید، در این صورت کلمات بعد از [na] اساس و مبدأ در نظر گرفته شده و [na] آن را منفی می‌کند. در فرهنگ «عمید» به عنوان پیشوند نفی به کار رفته است که در اول کلمه قرار می‌گیرد و معنی آن را تغییر می‌دهد. این تکواژ از زبان فارسی وارد زبان ترکی می‌شود. زبان ترکی زبانی پسوندی است و مواردی مانند این تکواژ که از زبان‌های دیگر وارد آن شده، به صورت پیشوند هم به کار می‌روند. این پیشوند هم مفهوم نفی و هم مفهوم تضاد را در بر می‌گیرد. مثال‌هایی از این تکواژ در کلمات زبان ترکی عبارتند از: Nadinc (ناآرام) - naçaq (ناسالم) - nasaz (نامیزان) - naymüd (نامید) - nahamar (ناهموار) - namərd (نامرد) - naköndəm (ناتراز) - nainsaf (بی‌انصاف) - naxələf (ناخلف)

58) Namərd əkən bağçada, butaq olsa bar olmaz.

باغچه‌ای را که نامرد بکارد، شاخه هم داشته باشد بار (میوه) ندارد. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

۴-۲-۲. تکواژ [nə]

از نظر فرزانه (۱۳۷۷) تکواژ [nə] از ادات غیرتبعی است که ارکان متساوی‌الحقوق و مستقل کلام را به هم ربط می‌دهد. عبدالله‌اف (۲۰۱۳) تکواژهای [nə] را «ارتباط‌دهنده نفی» می‌داند که گاهی به صورت [nədə] هم استفاده می‌شود. این تکواژ در زبان ترکی علاوه بر این‌که به عنوان تکواژی برای «نفی» به کار می‌رود، به

عنوان «ادات استفهام»، «ادات ربط» و «ادات تعجب» نیز به کار می‌رود. گاهی ادات استفهام هم مفهوم منفی به جمله می‌دهد.

59) Abadlıq bülbülündür, nə bayquşun ← **تکواژ منفی**

آبادی برای بلبل است نه برای جغد (صادقی قورولو، ۱۳۹۰)

60) Nə bilim, bəlkə təbiət özü namərd-ə gün ağlar ← **ادات استفهام با مفهوم منفی**

چه می‌دانم (نمی‌دانم)، شاید طبیعت خودش به فکر نامردها باشد. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

61) Nə çəkdi qurd əlindən, bu qaranlıq dumanda ← **ادات استفهام**

چه کشید از دست گرگ، توی این تاریکی مه (کلیات اشعار ترکی شهریار)

62) Nə şafaqlar ki, dərin baxmada dəryadi diyərsən ← **ادات تعجب**

چه شفق‌هایی! که در نگاه عمیق، انگار دریاست. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

واژه‌ها را با استفاده از تکواژ [nə] می‌توان در ساخت‌های هم‌پایه قرار داد.

63) Axsaq qoyuna nə dağ nə düzanlık.

برای گوسفند لنگ، نه کوه، نه راه هموار (فرقی ندارد). (صادقی قورولو، ۱۳۹۰)

64) Nədə bizimle gelmiyor sun?

چرا با ما نمی‌آیی؟

65) Nə diz var ki sürünüm, nə üz var ki qaydım.

نه زانویی مانده که با آن خود را بکشانم، نه رویی هست که برگردم.

(کلیات اشعار ترکی شهریار)

66) Nə yatir, nə dincəilir.

نه می‌خوابد، نه استراحت می‌کند. (عبدالله اف، ۲۰۱۳)

۳-۲-۴. تکواژ [bi]

تکواژ [bi] در فرهنگ «عمید» به معنای علامت نفی و پیشوندی است که بر سر اسم می‌آید و از آن صفت می‌سازد و نفی و سلب را می‌رساند. در ترکی هم مانند فارسی این پیشوند نبود و فقدان چیزی را در مدلول خود نشان می‌دهد. مثال‌هایی از این تکواژ در ترکی عبارتند از - biçarə - biiman - bilicim - biqüsür (bikef) که به ترتیب به معنی (بی‌حال - بی‌چاره - بی‌ایمان - بی‌ریخت و بی‌تقصیر) می‌باشند.

67) Nəyə bu bivəfa çixdi, niyə bizdən qabaq öldi

چرا بی‌وفا بود، چرا قبل از ما از دنیا رفت. (کلیات اشعار ترکی شهریار)

۴-۲-۴. تکواژ [qeyr]

تکواژ [qeyr] معادل «غیر» عربی است که در فرهنگ عمید به معنای «جز، سوا، مگر» آمده است. در فرهنگ «معین» علاوه بر این معانی، به عنوان جزء پیشین کلمات مرکب نیز به کار می‌رود که معنای مخالف به کلمه می‌دهد و معادل پیشوند «نا» است. کلماتی مانند: qeyri düzümlü (نامنظم)، qeyri ixtiyari (غیر-اختیاری)، qeyri elmi (غیرعلمی) و... که با استفاده از این تکواژ در زبان ترکی کاربرد دارند.

68) Söz qeyri-iradi ağızdan çıxdı.

حرف، غیرارادی از دهان درآمد.

۴-۲-۵. تکواژ [anti,a]

عبدالله‌اف (۲۰۱۳) معتقد است دو تکواژ [anti,a] از عربی و فارسی وارد زبان آذری شده‌اند و مثال‌هایی از هر یک به این صورت آورده است. (anti humanist- anti-imperialist) که به ترتیب به معنی (ضدامپریالیست و ضدانسانگرایی) به کار می‌روند و (anormal, asintetik, asymmetric) که به ترتیب به معنی (نامتقارن، غیر-ترکیبی و غیرطبیعی) می‌باشند.

۴-۲-۶. تکواژ [amma]

قید [amma] به معنی اما که ریشه عربی دارد، در زبان ترکی مانند ادات نقش ارتباط‌دهنده اجزای جمله را بین یک جمله منفی و یک جمله مثبت را بازی می‌کند و گاهی ادات تأسف مانند [heyif] را همراهی می‌کند.

69) Bir tor qurub ki dərya nəhəngi, ilan kimi qıvrılsın, amma bir düzəlib, qəd açanmasın.

طوری توری پهن کرده که نهنگ دریا مثل مار به خود بپیچد، اما نتواند قد راست کند.

(کلیات اشعار ترکی شهریار)

۵. نتیجه‌گیری

زبان‌شناسان معتقدند که در همه زبان‌های دنیا از نفی و منفی‌سازی استفاده می‌شود. این مسئله در مورد زبان ترکی آذری هم صادق است. در این مقاله تکواژهایی بررسی شدند که به نوعی در فرایند منفی‌سازی در زبان ترکی آذری شرکت می‌کنند. این تکواژها هم شامل تکواژهایی بودند که به طور مستقیم و صریح خود دارای مفهوم منفی بودند و معنای نفی را به جمله اضافه می‌کردند و هم تکواژهایی که به طور ضمنی به نوعی در اتصال کلمات متضاد و منفی دخیل بودند. بررسی‌ها نشان داد که در زبان ترکی آذری تکواژهای [ma],[mə] در منفی کردن افعال استفاده می‌شود که این تکواژها بسته به زمان افعال ممکن است به صورت‌های [m] - [may] - [məy] - [məz] - [maz] نیز به کار روند و همان‌طور که اشاره شد این نشانه‌ها، نشانه «نفی صریح» می‌باشند. در مقابل نفی صریح، «نفی ضمنی» قرار دارد که با استفاده از افعال نقض، جمله مفهومی منفی پیدا

می‌کند و یا حضور بعضی از ادات مفهومی منفی به همراه دارد. اداتی [yox, xeyir, asla, əbəda, heç, yalansa, ...] می‌توان آن‌ها را در دسته‌هایی چون ادات (انکار و تصدیق، استثنا، تأسف، استفهام، محدودیت و...) قرار داد. برخی از این ادات خود دارای مفهومی منفی می‌باشند و برخی دیگر به عنوان رابط دو جمله یا دو واژه منفی یا متضاد به کار می‌روند و برخی هم مانند تکواژ [heç] عنصر توافق منفی می‌باشند. هم‌چنین تکواژهای آزاد [yox, deyil] که به عنوان «عوامل نفی‌ساز» و «نفی وجود» کاربرد دارند و تکواژهای وابسته‌ای چون [siz, siz, suz, süz] در این زبان وجود دارند. تکواژهای فارسی [na], [nə], [bi] و تکواژهای عربی [qeyr] و [amma] و [anti-, a-] نیز وارد زبان ترکی آذری شده‌اند، که به عنوان تکواژ منفی‌ساز در این زبان بررسی شدند. بنابراین می‌توان گفت این پژوهش از نظر ساخت‌وازی فرایند نفی را مطالعه می‌کند و در این پژوهش بر خلاف پژوهش‌های دیگر، همه تکواژهای منفی بررسی شدند که به نحوی در ایجاد مفهوم منفی در جمله (چه به صورت صریح و چه ضمنی) دخیل هستند.

منابع

- تفکری رضایی، شجاع، نیما عرفانی‌راد و خسرو غلامعلی‌زاده (۱۳۹۵). عناصر توافق منفی در ترکی آذری. پژوهش‌های زبانی، بهار و تابستان ۹۵، شماره ۱، صص ۲۱-۳۶.
- حسینی بهشتی، ملوک السادات (۱۳۹۳). ساخت‌واژه اصطلاح‌شناسی و مهندسی دانش. تهران: چاپار.
- روشن، بلقیس و شهلا باقری (۱۳۹۲). آیا هر جمله مثبت فارسی یک نظیر منفی دارد؟. ادب پژوهی، ۷ (۲۵)، صص ۱۶۱-۱۷۷.
- زارع شاهمرسی، پرویز (۱۳۸۷). فرهنگ شاهمرسی (ترکی-فارسی). تبریز: نشر فرهنگ.
- شهریار، محمدحسین (۱۳۹۲). کلیات اشعار ترکی شهریار به انضمام حیدربابا به سلام (با مقدمه، تصحیح و تعلیقات حمید محمدزاده). تهران: نگاه.
- صادقی قورولو، فرهاد (۱۳۹۰). آتالارسوزو. تبریز: نباتی.
- عرفانی راد، نیما (۱۳۹۲). بررسی نحوی منفی‌سازی در ترکی آذری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۷۷). مبانی دستور زبان آذربایجانی. تبریز: فرهنگ.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: آدنا.
- مهدیخانی، مینا (۱۳۹۱). بررسی وندهای تصریفی و اشتقاقی در گویش ترکی میانه. تهران: راشدین.
- نائبی، محمدصادق (۱۳۸۷). آموزش گرامر زبان ترکی آذربایجانی در یک ترم. زنجان: پینار.
- هیئت، جواد (۱۳۸۰). سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی. تهران: پیکان.
- یول، جورج (۱۳۸۹). بررسی زبان. مترجم: ع. بهرامی. تهران: رهنما.

Abdullayeva, G. (2013). *Müasir Azərbaycan dili*. Baki: Elm və təhsil.

- Aitchison, J. (2001). *Language change: Progress or delay?* 3rd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Aronoff, M. & K. Fudeman (2011). *What is morphology*. Malden: Wiley Blackwell.
- Aslanoğlu, L. (2009). *Yovşanlıq şərqləri*. Bakı: MBM.
- Baker, M. C. (1985). The Mirror Principle and Morphosyntactic Explanation. *Linguistics Inquiry*. 16 (3). pp. 373-417.
- Erfani, P. (2012). *Azeri morphosyntax: The influence of persian on a Turkic language*. Burnaby. Canada: Simon Fraser university.
- Falih al-Ghazalli, M. (2013). Translation assessment of Arabic implicit negation into English. *International journal of English linguistics*. 3 (2). pp. 129-144.
- Isaxanlı, H., E. İsmayilova & F. Nasirova (1997). *The azerbaijani language*. Baku: Khazar university press.
- Katamba, F. & J. Stonham (1947). *Morphology*. Macmillan.
- Khemlani, S. I. Orenes & P. N. Johnson-Laird (2012). Negation: A theory of its meaning, representation, and use. *Journal of cognitive psychology*, 24 (5), pp. 541-559.
- Payne, J. R. (1985). Negation. in Timothy Shopen (ed), *language typology and syntactic description, Vol 1, Clause Structure*. (pp. 197-242). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ramat, P. (1996). *Negative sentences in the languages of Europe: a typological approach*. New York: Mouton de Gruyter
- Siegel, A. (2007). *Essentials of Azerbaijani: an introductory course*. crees: Azerbaijan.
- Sülleymanova, V. (2010). Inkarin Konkret Mətn Daxilində ifadə Müxtəlifliyi (expression variety of negation in narration). *Journal of Qafqaz university*. 47(1). pp. 185-223.